

گفت وگو با يك كارشناس اقتصادي مقیم آمریکا در خصوص  
پیوستن ایران به سازمان جهانی تجارت  
مواظب باشیم  
توهم ما را نگیرد

هوشنگ ایرانی  
(کامران ایزدی)



ایران شماره ۳۱۵۰

هفته پانزدهم ۱۱ خرداد ۱۳۸۴

Web June 7, 2005

گفت وگو از عارف واحداوان

پنجشنبه پنجم خردادماه روز خوبی برای ایرانیان بود. حسن روحانی دبیر شورای امنیت ملی در ژنو سوئیس سرگرم گفت وگو در زمینه مسائل هسته ای با رهبران سه کشور اروپایی (آلمان، انگلیس و فرانسه) بود. در پایان مذاکرات به خبرنگاران اعلام کرد «با عدم مخالفت گذشته آمریکاییها درخواست بیست و دوم ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد و ایران به عضویت ناظر این سازمان درآمد».

اعلام این خبر بازتاب گسترده ای در رسانه های جهان و کشورمان داشت و تحلیل های مختلفی از سوی اقتصاددان های کشورمان در این زمینه ارائه شد.

اما عضویت ناظر ایران در WTO پرسش های اساسی را فراروی ما قرار می دهد آیا ایران در آینده نزدیک به عضویت دائم این سازمان درخواهد آمد؟ چرا آمریکاییها در ربع قرن گذشته با ورود ایران به سازمان جهانی تجارت مخالفت می کردند؟ کامران ایزدی یکی از کارشناسان اقتصادی ایرانی مقیم آمریکا در گفت وگویی ضمن ابراز خرسندی از پذیرش عضویت ناظر ایران در WTO و عدم مخالفت آمریکا با آن از عواقب این وضعیت اعلام نگرانی می کند.

این کارشناس می گوید: «ساختارهای اقتصادی ایران برای ورود به سازمان جهانی تجارت باید تغییر بنیادین کنند». آنچه در پی می آید حاصل گفت وگویی يك ساعت و نیم گفت وگویی تلفنی ما با این اقتصاددان ۵۸ ساله است! بالاخره پس از ۲۱ بار درخواست عضویت در سازمان جهانی تجارت از سوی ایران پنجشنبه گذشته آمریکاییها دست از مخالفت برداشتند و ایران عضو ناظر این سازمان شد. شما این وضعیت را چگونه ارزیابی می کنید؟

من این تحول را در کل مثبت ارزیابی می کنم اتفاق خوبی افتاده اگرچه این اتفاق خیلی نباید مهم تلقی شود. این اتفاق نشان داد که آمریکا و اروپا علاقه مند به کارکردن با ایران هستند و این طور نیست که آمریکا کمر همت به نابودی ایران بسته باشد و ایران حتما باید با آمریکا دشمن باشد چنین چیزی وجود ندارد.

به نظر من باید دوطرف سعه صدر از خود نشان دهند و در آن چهارچوب برنامه ریزی کرد مثلاً در همین مسائل هسته ای آمریکا و اروپا از خود نرمش نشان داده است فراموش نکنیم که اختلاف ما و آمریکاییها اختلاف بسیار بزرگی است. ایران باید قبول کند که مخالفان زیادی در منطقه داریم که فقط اسرائیل نیست بلکه هم بیماران آمریکا در همسایگی ما یا در خارج از منطقه هستند. مثلاً اگر میان ایران و آمریکا جنگی درگیر شد شک نکنید که کشوری مثل ترکیه که عضو ناتو هم است جانب آمریکا را می گیرد. بنابراین ما میان این نیروهای مخالف گرفتار شده ایم.

با این وجود من این تحول را مثبت ارزیابی می کنم. این دستاورد مهم و بزرگی است که باید روی آن کارکرد اما باید به يك تکه بسیار مهم اشاره کنم جمهوری اسلامی ایران باید مذاکرات را به مسائل انرژی هسته ای ختم نکند بلکه مذاکرات را به سوی مسائل دیگری از جمله اختلافات عمیق دو کشور هدایت کند. مثلاً آمریکاییها در زمینه های توریستی، القاعده، بحران عراق، لبنان و سوریه و حتی افغانستان مشکلاتی دارد. ایران می تواند در این زمینه ها به آمریکاییها کمک کند.

ایران به عضویت ناظر در WTO درآمد آیا امیدی برای عضویت رسمی و دائمی در این سازمان وجود دارد؟ ایران به عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شده است و برای اینکه به عضویت کامل WTO دربیاید راه بسیارسیار طولانی پیش رو دارد با این شرایط سازمان جهانی تجارت به مسائل ایران دقیقتر خواهد شد و مسائل اقتصادی، سیاست های اقتصادی، ساختارهای اقتصادی، نقش دولت در اقتصاد، سهم بانک خصوصی، سیاست تجارت خارجی، سیاست پولی یا ارزی، بخش نهادهای اقتصادی، سیاست مالی و غیره را زیر ذره بین خود خواهد گرفت. با در نظر گرفتن تمام این شرایط بحث عضویت ایران در WTO ارزیابی خواهد شد. بنابراین ما با وجود عدم مخالفت آمریکاییها شرایط آسانی جهت ورود به سازمان جهانی تجارت خواهیم داشت در مواردی این شرایط به سود ایران و در مواردی هم این شرایط ایران را خیلی محدود خواهد کرد و موجب ایجاد تنگنانهایی در میان مدت و درازمدت خواهد شد. اگر ایران برای پیوستن به این سازمان خوب عمل کند این می تواند نوعی دارایی برای ایران باشد.

بنابراین ما راه درازی پیش رو داریم. اتفاق روز پنجشنبه دریچه ای بود که به سوی ایران باز شد. من معتقدم می شود از این دریچه در نهایت «دروازه» ساخت در شرایطی که آمریکاییها پیش از این ۲۱ بار با عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت مخالفت کرده بودند و رییس وزیر امور خارجه این کشور هم چند روز پیش از این توافق، اظهارات تنیدی علیه ایران کرد اما ناگهان در خیرها آمد که آمریکاییها دست از مخالفت با عضویت ایران در سازمان تجارت برداشتند و این اندکی قضیه را پیچیده می کند. شما چه نظری دارید؟

مشکل ایران و آمریکا به يك دوراهی رسیده است که در ۲۵ سال گذشته وضعیت حاکم بر روابط تهران و واشنگتن وضعیت نه جنگ و نه صلح بود اما ما از این مرحله گذشته ایم و وارد مرحله جنگ نشدیم و جریان تغییر کرده است. اکنون گنجایش وضعیت



نه جنگ و نه صلح بر شده است اما باز هم این جریان مورد قبول آمریکاییها نیست یعنی حداقل دولت بوش این وضعیت را نمی پذیرد. جرج بوش می گوید که تو یا دوست من هستی یا دشمن من و این با استراتژی بوش سازگار نیست. بنابراین وضعیت ایران و آمریکا با گذشته فرق کرده است، از طرف دیگر وضعیت ایران در داخل کشور هم تغییر کرده است، یعنی داخل ایران هم بخشی فعال است که تمایل دارد سیاست تنش زدایی را پیش بگیرد. از همه مهمتر آمریکاییها برای این توافق صداقت ندارند ما نباید با خیال و تصور زندگی کنیم که حالا که آمریکاییها پذیرفته اند ایران عضو سازمان جهانی تجارت شود دشمنی خود را با ایران می خواهد کم کند یا دیگر هرگز نمی خواهد دشمنی کند. آمریکاییها برعکس ایرانیان به روابط عمومی اعتقاد دارند. آمریکاییها با این کار یک برنامه بزرگی علیه ایران تدارک دیده اند یعنی می خواهند به دنیا ثابت کنند که ما با جمهوری اسلامی از همه نوع کنار آمدیم اما اگر فردا ایران با اروپا بر سر گفت و گوهای هسته ای به نتیجه نرسید و جمهوری اسلامی غنی سازی را از سر بگیرد مهمترین اتفاقی که رخ می دهد آمریکاییها طلبکار می شوند و افکار عمومی جهان نیز تحت تأثیر قرار می گیرد. دنیا می گوید که آمریکاییها با اروپا بر سر مذاکره کنار آمد دست از مخالفت علیه ایران برداشت و ایران عضو ناظر سازمان جهانی تجارت شد، تشویق های اقتصادی نیز از طرف آمریکاییها به سود ایران انجام گرفت اما این ایران است غنی سازی را از سر می گیرد.

بنابراین اگر شکستی در مذاکرات هسته ای ایران و اروپا حاصل شود بردن پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد آسان تر خواهد شد، در آن صورت کشورهای مختلف جهان که تحت تأثیر این مسائل قرار گرفته اند به راحتی می توانند علیه ایران رای بدهند.

من معتقدم موافقت ضمنی آمریکاییها بر پذیرفتن عضویت مشروط ایران در سازمان جهانی تجارت نوعی کلاه گشادی است که آمریکاییها سر ایران و افکار عمومی جهان می گذارند و این به این سادگی نیست که با موافقت آمریکا همه چیز تمام شده تلقی شود و ایران وارد سازمان جهانی تجارت شود. عضویت ایران در WTO داستان درازمدتی خواهد داشت، باید یکسری تغییرات بنیادین و اساسی در ساختار اقتصادی و حتی سیاسی ایران صورت پذیرد و در ۱۰ سال آینده امکانپذیر نیست، باید پذیرفت که آمریکاییها هنوز هم سرگردانه نشسته اند. این طوری نیست بگویم حالا که پذیرفته شده ایران عضو ناظر شود و از موانع آمریکا رد شده ایم دیگر از دست آمریکا کاری بر نمی آید این واقعیت ندارد زیرا آمریکا هر زمان اراده کند این راه را می بندد. در شرایط فعلی آمریکا چیز مهمی را از دست نداده است، این کشور با توافق روز پنجشنبه با یک تیر دو نشان گرفت؛ نخست اینکه با این کار افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار داد و دوم اینکه اگر جدیت ایران برای ورود به سازمان جهانی تجارت برای آمریکاییها اثبات شد آنها وارد این گود خواهند شد و ایران را برای یکسری تغییرات فاحش تحت فشار قرار خواهند داد و این باز به سود آمریکاییها خواهد شد. اما آمریکاییها در تحلیل نهایی به این نتیجه رسیده اند که با این توافق آنها چیز مهمی را از دست نخواهند داد، چون ساختارهای اقتصادی پیچیده داخل ایران این اجازه را نمی دهد و این کار آمریکاییها نوعی شیطنت است.

صرفنظر از موافقت یا مخالفت آمریکاییها، شما اقتصاد ایران را تا چه اندازه برای ورود به سازمان جهانی تجارت آماده می بینید؟ هر اقتصادی یکسری ساختار دارد که شکل بگیرد، یکی از این ساختارها عوامل تولید است که عبارتند از کار، سرمایه، زمین، فن آوری، مدیریت و ... این عوامل تولید باید از نظر کمی و کیفی وجود داشته باشد که اقتصاد بتواند به طور سالم حرکت کند متأسفانه در ایران حداقل عامل سرمایه و مدیریت سرمایه ضعیف است در حالی که کار در ایران خیلی خوب است اما از آنجا که عامل سرمایه در ایران وجود ندارد عامل کار به کار گرفته نمی شود، ضعف مدیریت هم مزید برعلت شده است یعنی مدیریت اقتصادی ایران یک نوع مدیریت ناکارآمد است فناوری پیشرفت را هم نداریم بنابراین ما در عوامل تولید، نه سرمایه و نه تکنولوژی و نه مدیریت خوب داریم. و این سه عامل که از عوامل بسیار مهم لازم برای پیشرفت هر اقتصادی است را نداریم و یا حداقل ناقص داریم تا آنها شکل درستی پیدا نکنند ما راه به جایی نمی بریم متأسفانه بخش بزرگی از عوامل تولید خارج کشور است. فناوری، سرمایه و حتی شیوه های مدیریت هم ایرانی و هم خارجی در خارج است و تا زمانی که درهای ما با دنیای خارج بسته است در چارچوب عوامل تولید عقیم خواهیم ماند و اقتصاد خرد ماحرکتی نخواهد داشت. بخشی دیگر از اقتصاد هر کشوری حداقل از عوامل تولید نهادهای تولید است این نهادها عبارتند از: دولت، بازار، مالکیت خصوصی و روابط عوامل تولید. این نهادها در ایران بسیار ضعیف، عقب افتاده و در حد ابتدایی هستند مثلاً دولت که باید نقش نظارت داشته باشد خودش مشکل دارد و با نیروها و سیاستهای موازی مواجه است که این امر بر برنامه ها و تصمیم گیریهای دولت اثر می گذارند با این وضعیت عوامل مولد هم ناقص است. از طرف دیگر در ایران مشخص نیست که مالکیت خصوصی چه شکلی است دولت هم از برنامه ریزی مدون عاجز است نقش اقتصادی دولت در ایران وسیع است و بخش دیگر هم دست بنیادهاست و معلوم نیست که این بخش ها خصوصی اند یا دولتی. دولت ممکن است سیاستگذاری کند اما در ته خط مابقاومت بنیادها و سازمانهای اقتصادی مواجه می شود.

درکنار اینها در سیاست تجارت خارجی هم ما مشکلات زیادی داریم مشخص نیست تجارت خارجی ما آزاد است یا نه. سیاست خارجی ما در مورد صادرات و واردات مشخص نیست سیاست های بسیار مبهم و درهم آمیخته ای داریم که سازمان جهانی تجارت آن را نمی پذیرد.

بنابراین در سه مورد سیاست های عوامل تولید، سیاستهای نهادهای تولید و سیاستگذاری کلان مشکل داریم در مجموع یکسری مسائل اساسی در ایران است که باید حل بشود. با همه این شرایط اسفناک نمی شود مدعی شد که تمام جنبه های اقتصاد ایران منفی است. اقتصاد ایران با همه مشکلاتی که دارد، توانسته است به یک شکلی خودش را نگه دارد ما نفت داریم که با فروش آن می توانیم بر پاره ای از مشکلات غلبه کنیم. متأسفانه همین نفت هم به یکی از مشکلات اساسی ایران تبدیل شده است. چون دولت از نظر اقتصادی به نفت وابسته است و به مردم وابسته نیست عملاً نه شفافیت و نه مسؤولیت دارد و نه در تنگنا نیست چون در تنگنا نیست پس فکری برای تدوین برنامه استراتژیک اقتصادی در درازمدت نمی کند. تا وقتی نفت منبع درآمد دولت باشد، نمی توان انتظار شکوفاشدن اقتصاد ایران را داشت.

تحریم های اقتصادی ایران به وسیله آمریکایی ها تا کی ادامه پیدا خواهد کرد آیا این تحریم ها با عرف بین الملل همخوانی دارد؟ هیچ قانونی نداریم که کشوری تا کجا می تواند کشور دیگری را تحریم کند. آمریکاییها بیش از ۵۰ سال است که کوپا را تحریم کرده اند و در دنیا هیچ کشوری نمی تواند مانع از این کار آمریکاییها شود.

بنابراین تا زمانی که مشکل ایران و آمریکا حل نشود این تحریم ها ادامه خواهد داشت. متأسفانه کار به جایی رسیده است که آمریکاییها دیگر قانع به این تحریم های فعلی نخواهند بود. این تحریم در شرایط فعلی یک جانبه است و اروپا و ژاپن، چین و دیگر کشورها در این تحریم ها مشارکت ندارند. این تحریم ها تحریم هایی نیست که علیه عراق وجود داشت. تحریم عراق یک تحریم بنیادی بود. تمام جهان در تحریم عراق وجود داشت.

سؤال اینجاست که تحریم های اعمال شده از سوی آمریکاییها علیه ایران چه اندازه خسارات به دو کشور رسانده است و آیا از عرف بین الملل اعمال چنین تحریم هایی علیه ملت یک کشور دیگر قابل پذیرش است؟

به هر دو کشور خسارت وارد کرده است ولی باید پذیرفت که اقتصاد آمریکا و ایران مثل قیل و فتجان است. یعنی اقتصاد آمریکا



يك اقتصاد تریلیونی است اما اقتصاد ایران يك اقتصاد میلیاردي است. این دو اقتصاد قابل مقایسه با هم نیستند. کل اقتصاد ایران به اندازه اقتصاد نیویورک است. این درحالی است که آمریکا ۵۳ نیویورک دارد واقعیت این است که هر دو کشور از این تحریم ها صدمه می بیند اما صدمه ای که ایران متحمل می شود قابل مقایسه با آمریکا نیست. درواقع این تحریم ها خراشی به اقتصاد آمریکا وارد می کند و بسیار ناچیز است.

اما این برای ایران بسیار سنگین است بگذار مثالی بزنم جنگ عراق علیه ایران که من معتقدم آمریکاییها آن را علیه ایران تحمیل کردند چیزی حدود ۲۰۰میلیارد دلار به اقتصاد ایران صدمه وارد کرد. خود گروگانگیری و مسائل بعدش حداقل ۵۰میلیارد دلار به اقتصاد ایران صدمه زد و این البته جدا از تحریم های کمربشکنی است که تا به حال علیه ایران اعمال شده است. از وقتی که این تحریم ها علیه ایران آغاز شد دو نوع لطمه به اقتصاد ایران وارد شد که مهمترین آن نوع صدمات استراتژیک و راهبردی بود مثلاً اگر ایران و آمریکارابطه حسنه ای با هم داشتند خط لوله باکو - تفلیس - جیحان از مسیر ایران می گذشت. متأسفانه این صدمات استراتژیک و راهبردی که به اقتصاد ایران تحمیل شد به هیچوجه قابل جبران نیست. یعنی اگر روابط ایران و آمریکا در آینده بهبود پیدا کند دیگر این خط لوله باکو - جیحان را تعطیل نمی کنند و خط لوله ای دیگر از ایران نمی گذرانند. بنابراین ما هراندازه بیشتر منتظر حل مشکل مان شویم همان اندازه بیشتر متحمل ضرر و زیان راهبردی و استراتژیک می شویم.

اما صدمات ایران به آمریکا به دلیل برخورداری آمریکا از يك اقتصاد بسیار نیرومند، ناچیز و اندک بود. این اما به دلیل اقتصاد ضعیف و شکننده ایران این ضربه به ما بیشتر بوده است.

آمریکا می تواند بدون ایران زندگی کند، اما آیا این وضعیت برای ما میسر است؟

چون هیچ کشوری تا به حال نتوانسته است این کار را بکند. این غیرممکن است که کشوری در دنیا پیدا شود با آمریکا رابطه نداشته باشد و توسعه اقتصادی هم پیدا کند. با این وضعیت باید قبول کرد که تا زمانی که روابط تهران و واشنگتن بهبود پیدا نکند ایران از نظر اقتصادی توسعه پیدانمی کند، چون آمریکاییها تمایل ندارند مدلی در دنیا پیدا شود که دشمن آنها باشد، دموکراتیک شود و توسعه اقتصادی پیدا کند. این از دید آمریکا غیرممکن است. دولت شیلی در زمان سالوادور آلنده، دولت دکتر مصدق در ایران و یا دولت فعلی هوگوچاوز در ونزوئلا نمونه هایی از دولت های مخالف آمریکا در جهان بودند و هستند. سؤال اینجاست، آمریکاییها با دولت های آینده و دکتر مصدق چکار کردند؟ با دولت چاوز هم همین کار را خواهند کرد. آنها معتقدند هر دولتی که مخالف آنها باشد نباید دموکراتیک شود و رشد پیدا کند و این قابل انتقاد است اما این واقعیت دنیای امروز ماست. حتی اروپاییها هم پس از جنگ جهانی دوم هرگز سعی نکردند جلوی خواست آمریکایی ها فرار بگیرند و حداقل در آینده دوری که من می بینم اروپاییها هرگز چنین کاری را نخواهند کرد.

اروپا امکان ندارد مستقل از آمریکا به زندگی سیاسی خود ادامه دهد. جنگ یوسنی، بحران عراق، بحث مسائل هسته ای ایران و... نمونه های واقعی هستند که اروپا مستقل از آمریکا نمی تواند تصمیم بگیرد.

صفحه اول	سیاسی	داخلی	سلام ایران	دنگه چه حیر؟	دیپلماتیک	ربا
ایران اقتصادی	اجتماعی	بین الملل	گزارش	فرهنگ و اندیشه	جوان	فرهنگ و هنر
گفت و گو	ایران زمین	قیمت سکه و طلا	اقتصادی	حوادث	ورزشی	صفحه آخر
اوقات شرعی	مهرگان	ماجرا				

| تناسنامه | آرسو |